

القاب و عناوین

در ادوار گذشته و بخصوص در دوره
سلالة قاجار ، برای طبقات مختلف القاب
و عناوین خاص قائل بودند و در نامه ها و
مناشیری که بنام پادشاهان ، رجال دربار و
دولت ، علماء و روحانیون ، وزرا و حکام
نوشته یا صادر میشد به القاب و عناوینی
معقد و مطول تمسک می جستند و بخش عمده
نامه هارا عبارات تشریفاتی پوچ و بی معنی
اشغال میکرد .

در این دوران بحمدالله این رویه منسوخ گردیده و تکلیفات و تشریفات بیهوده و زاید حذف شده است و بخلاف گذشته که حتی در نامه های خصوصی و دوستانه نیز مقداری عبارات مسجع و قالبی پشت سر هم ردیف میکردند اکنون در آمد نامه ها غالباً باطرح مطلب و موضوع مورد نظر شروع میشود و بهمان صورت نیز پایان می پذیرد .

از نظر آنکه جوانان وطن و اهل تحقیق بدانند عناوین و القاب قدیم چگونه بوده و به چه صورت مورد استفاده واقع میشده است، در این صحایف نمونه‌هایی از آنرا که از مجموعه‌ای خطی مضبوط در مجلس شورای ملی استنساخ کرده ایم می آوریم.

سیف‌الله وحید نیا

قسمت اول

القاب و عناوینی که برای سلاطین می نوشتند

بخاکپای فرقدان سای حضرت مالک الرقاب همایون المؤید
بالعنايات الابديه والمسدد بالرعايات السرمديه آفتاب عالمتاب دولت

قاهره و ماه جهان افروز سلطنت باهره از مشارق اقبال و مطالع
اجلال شارق و طالع و سهیل خلافت از یمن ابهت و جلالت ساطع و لامع باد.

ظلال فر سلطنت همایون و یمن معدلت روز افزون مخلد و
پاینده باد .

بعته علیه و سده سنیه ملازمان درگاه سپهر پایگاه اعلی حضرت
قدر قدرت اقدس اطهر شهریاری مدظله الظلیل علی مفارق الانام
که مؤسس بنیان معدلت و انصاف و هادم مبانی جو رو اعتساف است
عرضه داشت مینماید .

باستان رفیع و پایگاه منبع قرب یافتگان حضور شرافت ظهور
اسعد اقدس خسروانی که ذات کامل الصفاتش مؤبد و ظل همایونش
مخلد باد بشرف عرض میرساند .

به ذروه رفیعه و پیشگاه علیه باریافتگان دربار معدلت سرکار
بندگان خسروانی میرساند .

باستان رفیع البنیان ساکنان درگاه و واقفان پیشگاه کیوان
پایگاه اطهر همایون بذروه عرض میرساند .

مشهود ساکنان آستان و متوقفان پیشگاه عظمت بنیان
اعلی حضرت کیوان رفعت قدر قدرت قوی شوکت اطهر انور مقدس
شهریار صاحبقران فداه ارواح العالمین میدارد .

از عرض نظر خورشید مظهر ملتزمان درگاه انور و ملازمان
عقبه علیه اطهر همایون ارواحنا فداه که ظل مرحمت و عطفش ممدود
باد خواهد گذشت . * * *

بعرض درگاه معلی پایگاه بندگان اطهر همایون لازالت اطناب
خیام دولته و ظل ظلیل حضرته محدوده مشهود میدارد .

انشاءالله سرادق عظمت وجهانبانی و بارگاه خلافت و کامرانی
باو تبادخلو دالی یوم الموعود پیوسته و ممدود باد مقر عظمت و
جهانداری و تختگاه خلافت و فرمانگذاری و سده خلافت پناه و عقبه
سپهر اشتباه سده عالی رتبت و سبزه سپهر مرتبت بوفور عنایات ربانی
و عطیات سبحانی از مواهب فیوضات نامتناهی شاداب و سراب باد .
* * *

بساحت فلك فرسا و سده معلاى سپهر آسای که سایه رعیت
گستری و ظل رأفت و رعیت پروری او بدوام و قوام بادالی یوم القیام .
* * *

رایت نصرت شعار و اعلام ظفر نگار از افق معدلت و کامکاری و
ذروه ابهت و شهر یاری پاینده باد .
* * *

اعلام دولت و جهانبانی و رایات شوکت و گیتی ستانی و آیات
عظمت و رایات حشمت و جلالش بر دوام باد .
* * *

بارگاه سدره آسا و درگاه فلك فرسا بزبور دین پروری و حلیه
معدلت گستری آراسته باد .
* * *

درگاه اعلی و بارگاه معلی از تعرض و طرق غیرالکمال

مصون و ظلال لوای فلك فرسا بر مفارق كافه انام منبسط و مستدام باد .

سایه عرش سای و ظل سپهر آسای ملازمان درگاه و مجاوران
بارگاه سده سنیه مملکت پناهی و ظل نوال عاطفت بیکران محدود
و ممتد باد .

خیام رفعت و اعلام دولت و خرگاه سپهر اشتباه که موجب
انتظام کلیات امور انام و معظلمات مهم است پیوسته مهبط ورود
میامن دولت و اقبال و شوکت و اجلال باد .

ساحت مبارک و پیشگاه متبرک همواره بتواتر اسباب شادمانی
و تعاقب آثار سلطنت و کامرانی و تأسیس مبانی امارت و جهانبانی
پیوسته و ممتد باد .

معروض آستان انور و مشهود ساحت سپهر مطلب اطهر خلد الله
ظلال سلطنه علی مفارق العالمین و ابد کمال عاطفه الی یوم الدین و
لا زالت رایات دولته مرفوقه و نشر الله لواء عدله فی اقطار الارض
وزین الیه سریر الخلافة الزاهره بمیامن ذاته و انوار عیون السلطنه
الباهره بلوامع انوار صفاته و لا زالت سماء دولته بکواکب العظمة
والجلال مزینه و آیات ابته علی صفحات الکائنات بالرفاه و الکمال
بینه و لا زالت رایات دولته منصوره و اعداء حضرته مقهوره و مخذوله
ورفع الله ایام دولته الغراء بمیامن قدره و بنفوذ امره و عظم الله معارج
شأنه و رفع ملاج مکانه و ادام علی الانام ظللاه .

مشهود حضور معتکفان دربار معدلتمدار و مجاوران پیشگاه شوکت آثار عظمی و قرب یافتگان درگاه خلافت کبری میدارد .

مکشوف خاطر معدلت مظاهر و مشهود ضمیر منیر ملاطفت تخمیر بار یافتگان ساحت سپهر مطلب بندگان شهر یاری میدارد .

بموقف سپهر موافق ملازمان اعیان گردون قباب و مجاوران حضرت مالک الرقاب مقدس انور مطهر علین بشرف عرض و اظهار میدارد که قربان خاکپای جواهر آسای اطهر همایونت شوم .

تصدق پیشگاه سپهر پایگاه اسعد شهر یاریت گردم .

قربان عتبه علیه کیوان پایگاه مطهر خسروانیت گردم .

قربان ملازمان اعیان مستطاب و مجاوران پیشگاه گردون قباب مبارکت گردم .

تصدق خاکپای فرقدان سای انور همایونت گردم .

قربان سده سنیه و موقف علیه بندگان اقدس شوم .

فدای آستان معلی بنیان مقدس مبارکت شوم .

قربان معتکفان دربار معدلت مدار مطهر مبارکت شوم .

بر خاطر مرآت مظاهر و ضمیر منیر عدالت و عطوفت تخمیر و

نظر خورشید مظهر ساکنان آستان خلافت بنیان مکشوف باد .

مشهود خاطر ملاطفت مظاهر و معروض حضور شوکت ظهور
ذات کامل الصفات میدارد .

بآبروه عرض پیش نازان رگاب نصرت آفتاب مینمایاند .

مشهود ذات ملکوت سمات شهریاری میرساند.

مقر سلطنت عظمی و مصدر خلافت بهیه کبری .

موجب جهانگشای مسعود . موجب نصرت مواکب . رگاب نصرت
وظفر انتساب .

ذات فائض الرقاب ملکوتی و قدوس صفات ظل الهی . وجهه
همت بلند نهمت خسروانی . رأی عالم آرای ملوکانه . ضمیر صوابنمای
خسروانه . خاطر مرآت مظاهر خدیوانه . نفس نفیس همیونی . بر حسب
فرمان واجب الاذعان . بر حسب امر قدر قدر . بر حسب توفیق رفیع
بر حسب منشور قضا دستور . بر حسب منشور واجب الاطاعه . بر حسب
فرمان واجب الامثال . حسب فرمان رفیع البیان . بر حسب مثال واجب
الامثال . بر حسب یرلیغ یرلیغ . بموجب فرمایش جهانحطاع . بنوجب امر
مطاع لازم الاتباع . بموجب صدور این توفیق قضا دستور . از قرار این
فرمان مهر لمعان . از قرار این منشور قضا جریان .
بشرف الترام رگاب مستطاب ظفر انتساب . ملتزم رگاب نصرت

انتساب. معروض چاکران درگاه و مشهود پرستندگان پیشگاه امام - ر
 قضا مثال نافذ. از طرف قرین الشرف. در حضور لامع النور شرف
 امتحان و موقع حسن قبول یافت .

بمراحم بیقیاس اولیای گردون عدت و امنای حضرت معدلت
 آیت. بتقییل آستان سلطانی و تلثیم سده سنیه خاقانی. سرافراز بدر بار
 گیتی مدار. مسئول او در خاکبهای مرحمت شمول بدرجه اجابت و
 حسن قبول نایل شد .

در طی مراسم خدمتگزاری و تقدیم شرایط فدویت و جان نثاری
 جلب مراحم شهریاری نمود. دستخط مرحمت آیت . دستخط آفتاب
 نقطه دستخط واجب الامثال .

در طی خدمات دولت طرف تحسین و الثقات و مورد مراحم
 بینهایت ملو کانه افتاده . چون پیشنهاد خاطر و الاسما و مشهود ذات
 خجسته آیات منظور نظر حق شناس و مکتون خاطر معدلت اساس
 رأی بیضا ضیای اقدس :

پرتو وجود مارا آرایش تاج و تخت کیان و افاضه همایون
 مارا موجب آسایش قاطبه سکان ایران .

افسر خسروی از تارك همایون فلك فرسا گشت و اورنگ
 همایون از فرقدم و شرف مقدم میمنت شیم نور و بها گرفت .

اختر فروزان این دولت عظمی بر معارج کامکاری صعود کرد
 و بدر فروزان این خلافت کبری بر مدارج شهریاری رخشان گشت و
 طغرای غرای سلطنتی و مللك المرعابی بآن نام سامی و اسم گرامی مزین آمد .
 صفحه دوران از نموداری گوهر رخشان سلطنت نور و ضیا

گرفت و پهنه جهان از تابش آفتاب تابان خلافت رونق و بها یافت .
 ظل ظلیل عاطفت و مرحمت مخلد و بردوام باد . بادا بقای رفعت و جاه
 و جلال تو - چندانکه آسمان و زمین را بقا بود . سخن مختصر به که وقت
 دعا است . آن به که بردعای تو ختم سخن کنم . باقی مباد هر که
 نخواهد بقای تو ، باقی بقای تو گویم و بقای تو جویم . ایام عزت و
 دولت بکام و اوقات شوکت قرین دوام باد . ایام شوکت فرجام
 و اوقات جلالت بر دوام و قوام باد . سایه بلند و ظل ارجمند
 دایم باد .

سایه مبارک بر مفارق دولتخواهان گسترده و ممدود باد . زیاده
 مرحمت عالی مستدام و گزارشات سامی بر طبق مراد و مرام باد .
 پیوسته ایام دولت و اقبال قرین دوام و رهین قوام باد .
 زیاده زحمت افزای اوقات جلالت و رفعت درجات نمیگردد .
 زیاده زحمت خاطر شریف نمیدهد .
 زیاده رنج و تصدیع افزا نمیگردد .
 زیاده زحمت خاطر شوکت مظاهر را جائز نمیداند .
 زیاده جسارت و باعث تصدیع است .
 والسلام خیر ختام .
 والسلام والا کرام . زیاده حاجت نگارش ندارد .
 زیاده حاجت تأکید ندارد .

- الامر الاقدس الامنع الاسعد . الذبور الاظهر . الاعلی مطاع .
 الامرالاجل الاشرف الافخم الارفع الاعظم الامجد العالی مطاع .
 الامر العالی زید مجده المتعالی مطاع . امر امر بندگان اجل
 الامجد الافخم است .
 امر کم العالی مطاع . امر امر عالی است .
 زیاده موکول بامر و مقررات بندگان عالی است .
 زیاده منوط باراده سامی است .
 زیاده موقوف و مرهون بفرمایشات مطاعه است .
 (ادامه دارد)

یکصد ساله ها

چهارتن از استادان دانشگاه ورتزبورگ که مجهز بوسائل مدرن پزشکی، پژوهش گسترده ای درباره ۱۴۸ زن و مرد یکصد ساله به بالا در آلمان فندال بعمل آورده اند . طی این پژوهشها، وضع فعالیت و مظاهر فرسودگی اعضای بدن و حالات روانی نامبردگان مطالعه و بررسی شد . از ۱۴۸ نفر مذکور فقط ۳۳ نفرشان مرد هستند و این تأیید نوینی از «مقاومتر» بودن ذات طبیعی زن تلقی شده است . همه یکصد ساله ها افراد زحمتکش بازندگانی منظم و اوقات فراغت مشخصی بوده اند . درستین کنونی اکثرشان دچار ضعف شنوایی و بی اعتنا بجرایانهای روز میباشند . در بین زنان افسردگی خاطر بیش از مردان بچشم میخورد .

مهمترین نتیجه در پژوهش مزبور تأیید این فرضیه است که ، طول عمر موروثی است . بندرت یکصد ساله ها در اثر ضعف سنی میمیرند، بلکه بطور کلی بدنبال یک بیماری سخت ازپا درمی آیند .